



آنجا که مردم حضور ندارند از مردم سخن گفتن یا دروغ است یا عبث .  
( دکتر علی شریعتی )

-بجز «چشم انداز» مسولیت دیگر موضوعات به نویسندگان آن بر میگردد .  
-ماهنامه از مقالات شما استقبال میکند .  
-ماهنامه درویرایش مطالب دست باز دارد .  
-علم و عمل از تمام اندیشه های هدفمند عوت به همکاری مینماید .

سال اول \* شماره ۱۰ \* سنبله ۱۳۹۲ هجری شمسی / ذوالقعدة ۱۴۳۴ هجری قمری / سپتمبر ۲۰۱۳ میلادی

## چشم انداز:

علم و عمل انعکاس دهنده واقعیت های جامعه :

در شرایط کنونی در افغانستان امر ضروری درست اندیشی می باشد یعنی دیگر مردم باید واقعیت گرا باشد و از گذشته ها باید پند بگیرند و از عمل کرد های متجاوزین و قاتلان فرزندان این کشوری زارباشند و برای این یک آینده درست و سعادت مند فرد فرد این وطن به اندازه توان خویش مسئولیت پذیر باشد و در راه بهبود وضعیت کنونی باید تلاش کنند تا دیگر دوران تلخ گذشته را فرزندان مان تجربه نمایند و چندین نسل این کشور به خاک و خون کشیده نشود و یا اگر باقی می ماند در جهل مطلق با افکار خشن به خون یکدیگر تشنه نباشد و این دستاورد های کم و بیش یازده سال گذشته به باد فنا نرود و ما دیگر وارث یک کشور سر و پا ویرانی نباشیم و دیگر مادری را نبینیم که در عزای فرزندش اشک می ریزد، طفلی را نبینیم که گریه کنان و با پای برهنه پدر گفته فریاد می زند ....

این کشور از هر چیزی بیشتر نیازمند همدیگر پذیری و گذشت در برابر یکدیگر است و به ویژه هوشیاری کامل این ملت تا آله دست منفعت طلبان نشوند و ما را به جان هم انداخته و از این راه به منافع شان برسند اینها در سه دهه جنگ و کش مکش نه درد دین داشتن و نه درد ناموس و نه درد وطن همه اینها فقط به خاطر قدرت، شهرت و ثروت می جنگیدن و فریاد عدالت خواهی سر می دادن و حال که به آرزوهای چوکی و مقام رسیدن نه ملت است، نه دین نه وطن، فعلا دالر، موتر، محافظان خارجی و بلند منزل های به سبک هندی و روسی همه فکر شب روز سران افغانستان شده است و بس، اما ملت هنوز هم به فکر پر کردن شکم اهل و عیال اند و کسانی که در راه به قدرت رسیدن اینها جان شان را از دست داده است باقی مانده آنها در کوچه و با زار به گدائی دست دراز می کنند ولی کسانی که از خون پدران اینها به قدرت رسیده در داخل موترهای ضد گلوله به عیاشی و خوش گذرانی می پردازد .

# بازسازی در ولسوالی لعل و سر - رأی از شما جنگل با بررسی پروژه های نیم کاره درین جا!

قربانعلی الفت



بافرا رسیدن دوره های انتخاباتی در و دیوار از شعارهای جذاب و دلنشین پر میگردد، خواندن این شعارها مردم را امیدوار به آینده ساخته و فریب آن کلمات زیبا و دل نشین را میخورد بدون تجزیه و تحلیل در مورد لیاقت، اهلیت، شخصیت، متعهد بودن و صداقت شخص به پای صندوق های رأی رفته و به کسی که چند تا شعارهای بسیار زیبا و عوام فریب را سرهم کرده رأی میدهند و فکر میکنند که خدمت این شخص موازی با شعارها و جملات زیبایی که از کتابها گلچین نموده می باشد، غافل از اینکه شعارها به زود ترین وقت رنگ و بوی قومی، سمتی و حزبی را بخود گرفته و بعد از اعلان نتایج و اشغال چوکی ها شعار رأی از شما خدمت از ما تبدیل به رأی از شما خدمت به جیب، به اقارب و افراد خاص میگردد. که مردم شریف این ولسوالی شاهد اند. و وعده های خدمت به مردم، ترمیم سرکها، اعمار مکاتب، شفاخانه ها، انکشاف متوازن، دفاع از حقوق مردم، رساندن صدای مردم و نظارت از کارکرد های حکومت و جلوگیری از بی عدالتی ها و حق تلفی ها به باب فراموشی گذاشته شده، فعالیت و دست آورد و کلا تغییر و تبدیل معلمین، ملازمین و دیگر مأمورین بی واسطه دولتی، زد و بندهای سیاسی و شخصی و دخالت در کارهای شخصی افراد که مغایر وظایف شان بوده که هیچ ارتباط به آنها ندارد می باشد، مردم حیران بر این است که اگر بی عدالتی و حق تلفی از طرف مأمورین دولتی صورت گیرد مرجع بالاتر از آن وجود دارد که بتواند صدای شان را به آن مرجع رسانیده و خواهان رسیدگی به مشکل خودها شوند ولی از دست مداخلات و کلا به کدام ارگان یا مرجعی شکایت کند؟ آیا ارگان وجود دارد که از مداخلات و کلا جلوگیری نموده دست آنها را از گریبان مردم بی دفاع و بی واسطه کوتاه نمایند؟ مردم از دست درازی اینها به سطوح آمده شب و روز لحظه شماری می کند که ای کاش دور دیگر انتخابات فرا رسد تا حد اقل چند روز دوره انتخاباتی از دست اینها نفس راحت داشته باشند و بار دیگر مرتکب چنین اشتباه نشده که با رأی خود بخود درد سر خلق کند، به زبان هر فرد این ولسوالی شعار بی وکیلی بهتر از بی وکیلی همیشه تکرار میگردد امید است وکلای محترم از تقصیرات مردم بی دفاع گذشته هرسال باعث سرگردانی اینها نگردد، مصروف وظیفه بزرگتر از مداخلات که به عهده شان است همانا رساندن صدای مردم و دفاع از حقوق مردم باشند.

«غلام حسین رسولی»

رادیو آزادی شنیدم. حال سوال اینجاست! که آیا شورای ولایتی غور به جز اینکه به رادیو، تلویزیون ارتباط بگیرد کدام بستر دیگر هم برای شنیدن و عملی کردن خواست هایی مشروع خود دارد یا خیر؟ اگر دارد که است و چه وقت پاسخ عملی به این گونه فریاد ها میدهند و خودش با تیم از همکارانش تا چه حد یقین به عملی شدن خواست هایی خود دارد ؟ دیگر سندی آزادی اطفال مظلوم لیسه مرکز لعل، کجی جوی ناوه قولانی، سنگ شانده، الهه تو، سیاخاکی کرمان، چشمه سیاه، قلعه جنگل، دیوالگ، سفیداب، قزل، تلخک، توسط دولت امضا مصنویت این اطفال از وجود اسپهال تضمین میگردد. و تا چه حدی این مشکلات مطرح، باکی یا کدام نهاد پشرفت تاچه اندازه صورت گرفت و چه وقت تعمیرها بکار گرفته میشود؟؟؟!

را از آنان سلب نماید قومندان امنیه برای اینکه! خود را از سرما حفظ نماید که مبادا آدم مسافر مریض شود اگر مریض شود اینجا داکتر هم نیست باید جان به مرگ تسلیم کرد برای ریشه کردن چنین عوامل دست و پنجه نرم نکنند با چند تن از محافظین خویش به تعمیر راهیسی ولسوالی پناهنده گشته و مردم لعل و سر جنگل داشتن یک محکمه با تعمیر راهیسی را آرزو تعجب و محال بر آورده شده میدانند!

معرف! چندی قبل محترم محمدصادق «یوسفی» در نشریه به نام اراده مردم بیان داشته یک هیئت ترکیبی از شورای ولایتی غور و ولسوالی لعل و سر جنگل از مکاتب گرماب سفلی، شینه، چپرقل دیدن نمودند! که این پروژه ها از نظر هیئت به گفته وکیل رضایت بخش نبوده و عیب فنی و تخنیکی را دارد و از تظاهرات در ولسوالی لعل و سر جنگل به نسبت عدم موجودیت سرک نیز نام برده که مشخصا خودم صدای وکیل را از طریق

بعد از یازده سال حکومت قانونی در کشور ولسوالی لعل و سر جنگل یکی از ولسوالی هایی است که از کامل ترین امنیت بر خوردار است و تابعیت مردم لعل و سر جنگل از قانون و حفظ امنیت شان باعث فراموشی مردم این ولسوالی در ساختار بازسازی کشور شده است به عنوان مثال اعمار تعمیر کلینیک مرکز لعل قصه ای بود که سه سال قبل مردم ما را امیدوار به داشتن مرکز خدماتی پزشکی درست نوید میداد ولی تعمیر این کلینیک همچنان شبهه به دوران قرون وسطی باقی مانده است .

دو تعمیر قومندانی امنیه! دولت افغانستان در شعار پولیس را یکی از بازوان توانمند در تطبیق حاکمیت قوانین خود میدانند در حالیکه در عمل چنین نیست در ولسوالی لعل و سر جنگل قبل از آنکه از طریق حلقه شورشی یا افرادی غیر مسئول مسلح تهدید گردد. سرمای شدید زمستان میتواند پولیس این ولسوالی را به راحتی شکار نموده و قدرت مقاومت



# دوولسوالی همجوار اما با تفاوت های بسیار

سیدعلی رضاسادات



سرک ولسوالی یکاولنگ

سرک ولسوالی لعل و سرچنگل

ولسوالی یکاولنگ و ولسوالی لعل و سرچنگل همسایه های دربه دیوار یکدیگراند و مشترکات بسیار زیادی با هم دارند این دوولسوالی از نظر تراکم جمعیت وساحه وسعت تقریباً تفاوت زیادی ندارد اما فعلاً از نظر بازسازی بین شان زمین تا آسمان فرق است، این تفاوت بازسازی نتیجه کارکردن آنها و این ویرانی نتیجه بی کاری ما به تصویر می کشد. زمانیکه از کابل به مسیر بامیان حرکت می کنید در ولسوالی یکاولنگ می رسیدم واقماً بازسازی قابل توجه ای صورت گرفته است از بند برق گرفته، تا سرگ قیر، از مکاتب معیاری تا کلینیک های مجهز اینها همه در این ولسوالی قابل لمس است در صورتیکه در زمان طالبان به صورت وحشیانه ویران شده بود حتی در این ولسوالی خانه های مردم عادی به آتش کشیده شد اما امروز از بهترین خدمات عام المنفعه در سطح اجتماع برخوردار است یک شخص ساکن یکاولنگ از کابل با مبلغ ۴۰۰ افغانی سفر می کند اما یک لعلی با فاصله نه چندان دور که یک کوتل در بین شان واقع است سفر کابل ۱۰۰۰ الی ۱۵۰۰ افغانی هزینه بر می دارد و اگر بخواهید به فاصله ۱۵

کیلومتر راه از مرکز لعل به هر سمت سفر کنید یک هفته تمام اعضای تان کوبیده است، این تفاوت ها در کجاست؟ چون یکاولنگ فریادکننده دارد و صدای مردم رابه گوش دولت مرکزی رسانید و حق شان را مطالبه نمود اما لعل و سرچنگل با این کثرت نفوس و جمعیت با این همه وکیل های بیدار، هوشیار، پول دار و حزب دار و از همه مهمتر وزیر مرتبط به ساخت و ساز هم داریم پس کجاست؟ سرک های لعل و سرچنگل در سطح کشور بدترین سرک ها است در دوران جنگ های داخلی همان مجاهدین برحق حد اقل بازور تفنگ بعضی سرک ها را هموار می کردن، حالا هر چه پروژه های (C.R.S)، افغان اید، (I.A.M) شهرسازی، فواید عامه، انکشاف دهات و غیره آمدن دود بر هوا شد و سرک خراب تر و جریه کلانتر، نه ولسوال، نه وکیل ، نه موسسه، نه رئیس انکشافی، نه دولت، نه مردم پس چه کسی مسئول این است و یا جنیان خواهد آمد این سرک را هموار می کند، **هر دو تصویر را ببینید و قضاوت کنید.**

# صلح نام زیباست اما در کجاست؟

(۳۰) سنبله یا (۲۱) سپتمبر مصادف است با روز جهانی صلح، از این روز در تمام جهان تجلیل میشود وقتی از این روز در تمام جهان تجلیل می کنند دارای یک معنی واقعی است یعنی وقتی می گویم (صلح) پس صلح، دوستی و عدم خشونت وجود دارد و انسانی مورد تجاوز قرار نمی گیرد، انسانی به نا حق کشته نمی شود، پدر و مادرها از این ترس ندارند که فرزندان شان مورد اختطاف و انتحار قرار بگیرد. صلح به معنا و مفهوم واقعی در این چنین جاهای جهان قابل لمس است، نه در افغانستان که هر روز در سر خط اخبار رسانه های جهان جای دارد و از سرقت، قتل، تجاوز، انفجار و انتحار چیزی دیگری نمی شنوی آیا صلح همین است که در انفجار ماین کنار جاده ملکی از نظامی و نظامی از ملکی بیشتر کشته شده است، در حمله انتحاری تعداد کشته ها بیشتر از زخمی های محل حادثه است و یا در سرقت های مسلحانه در بین ولسوالی های همجوار کینه، نفرت و انتقام گیری بوجود می آید این صلح است؟ کجا ی روز صلح را در افغانستان باید تجلیل نمود؟ دولت مردان و سیاست گزاران افغانستان با چه آبروی از صلح و آرامی در این کشور سخن می رانند جای سوال است در یازده سال گذشته با حمایت کامل نظامی، ملکی و کمک های سرسام آور جهان چرا صلح و ثبات در افغانستان تحکیم نیافت؟ چون صلح و آرامی نیازمند جدیدیت، قاطعیت و مسولیت پذیری نظام حاکم در تمام عرصه های حکومتی یک کشوری باشد متأسفانه که این نظام حاکم فاقد چنین صفات و پرنسیپ می باشد و در تحکیم ثبات و آشتی ملی ناکام بوده است و طرح و پالیسی در ارتباط به مهار کردن حلقهات شورشی و هراس افکنند و موضع مشخصی در برابر کشورهای دخیل



در امور افغانستان نداشته است و این خود شاهد بر مدعا است که دولت با سیاست یک بام و دو هوا در برابر افراد و اشخاص استفاده جو که با عناوین مختلف در نا امنی ها نقش دارد بی تفاوت بوده است و یا هیچ وقت با قاطعیت کامل در میدان جنگ در برابر شورشی ها برخورد نکرده است و یا نخواسته است که پناهگاه های مخالفین در هم کوبیده شود، کشوری که سه دهه از بی قانونی، باغیگری و افراط گرایی رها شده است و دست های بیرون مرزی در این جا دراز است آیا با چنین سیاست کودکانه ای که این دولت در پیش دارد خواهد صاحب یک ثبات سیاسی شد هرگز! در بدنه این نظام هیچ احساس به مسولیت و وظیفه وجود ندارد و نه مقامات بلند پایه دولت چنین تمایلی نشان می دهد، **پس نام صلح زیباست اما در کجاست؟** و چرا مردم افغانستان وجود ظاهری این کلمه را احساس نمی کند و به چشم سر صلح و آرامی در این کشور ویران نمی بیند فقط همیشه از زبان صاحب نظران و مقامات شنیده می شود (صلح) و یا در ورکشاپ های پول مصرف کردن و روزهای تجلیلی که عاید مالی دارد (صلح است آشتی ملی) اینها همه دیگر کهنه شد و ملت افغانستان در یک راه نامعلوم و مجهول به سوی یک هدف نا مشخص روانست و عاقبت اش را کسی نمی داند که چه خواهد شد

سیدعلی رضاسادات

# وقتش رسید!

حمیداله رامش

صحبت از تغییر این نظام نو پا از ریاستی به پارلمانی است. در شرایط حساس کنونی کشور ما فرد فرد افغانها اعم از زن و مرد بخصوص بزرگان و دولت مردان ما وظیفه دارند که به یک ریسمان واحد چنگ زده و از تفرقه و نفاق دوری کنند، اما عده ای از خون خوران که در صدد همین هستند که مردم خود را چه مقدار به فروش برسانم و مقام خودم حفظ باشد با طرح تغییر نظام در صدد کشاندن مملکت به سوی انزواء نا امنی و بی ثباتی سیاسی هستند. با ظاهر شدن در میان مردم به عوام فریبی پرداخته و ادعا دارند که از مردم نمایندگی می کنند که هرگز چنین نیست اینان همانهایی هستند که دستشان به خون هزاران بی گناه آغشته است و امروز به جای آنکه اظهار ندامت و پشیمانی کنند می خواهند با طرح چنین مسائلی افغانستان را به سوی جنجال ها سوق داده و از آب گل آلود ماهی بگیرند کار که در آن مهارت از قبل دارند. ولی مردم هوشیارو با تجربه اجازه نخواهند داد تا باری دیگر بازیچه دست آنان شوند. همه می دانیم هر کسی که دلسوز واقعی وطن و مردم خود است می تواند به هر نحوی خدمت واقعی را انجام دهد امروز افغانستان آن قدر پس مانده گی دارد که می شود به آن پرداخت نه به تجزیه تفرقه و ناسازگاری. بعد از کمک به خلق خدا و رضایت خداوند متعال آن گاهی

بعد از سالیان متمادی، جنگ، در بدری، آواره گی، فقر و بیچاره گی مردم افغانستان به این باور رسیده بودند که شاید طعم صلح امنیت رفاه و رستگاری را بچشند اما آن طور نشد. یقیناً آن گونه که مردم از جامعه جهانی و دولت منتخب خود انتظار داشتند در تمام ابعاد به آن نرسیدند و همچنان به جرات می توان گفت جای انتقاد نیز دارد. اما اگر کمی واقع بین باشیم با تمام انتقادات از دست اندرکاران امور در افغانستان و هم کشورهای خارجی ذی دخل در امور افغانستان و هم دولت حاکم بی کار هم نبوده اند هر چند به آن امید که انتظار می رفت نبوده است ولی دست آوردهایی هم داشته اند که رسیدن به آنها نیز قابل قدر است که از آن جمله در طی یازده سال گذشته می توان به چند نکته مهم اشاره کرد: ناامنی در تمام ولایت، چور و چپاول مردم غریب، مردم بیگناه را به قتل رساندن، آزار دادن مسافری دولت همیشه از آزادی بیان و آزادی رسانه ها برادران ناراضی را برادر خطاب میکند که افغانستان آن را تا به حال نمیداند دوست دشمن را تشخیص کند. دوستان نظام حاکم امروزی در کشور ما همه می دانیم نظامی است ریاستی که ملت افغانستان برای به دست آوردن آن بهای گزافی پرداخته است که همه می دانیم و پرداختن به آن از حوصله این نوشته به دور است. در این روزها

سیدعلی رضاسادات



## اعضای نظارت معارف، این بار کدام وکیل بیشتر!

## دوخترفروشی!

صابره سحر

بدبختانه جامعه ما با رسم و رواج های زیست دارند که باعث تباهی زندگی دخترانش میشود، یعنی تبعیضات منفی وجود دارند که مسئولیت پدران و مادران ماست همین پدران و مادران از دخترانش مثل اجناس فروشی استفاده می کنند و آنها را همانند جنس تبادل می نمایند. متأسفانه که پدران و مادران ما ارزش دخترانش را از بهای که بالای آنها می نمایند تعبیر می کنند . اگر به قیمت زیاد فروخت دخترش را با ارزش فکر می کنند و اگر به بهای کمتر فروخت به آن کم ارزش میگو، آیا ! این روند با آنها درست می باشد؟ نخیر! درست نمی باشد بلکه فرهنگ و رسم و رواج های ماست که ارزشی واقعی یک انسان را زیر سوال می برد اگر ارزش یک انسان با پول اندازه شود آیا حق انسان بودن از آن گرفته نمی شود ؟ پس دیگر حقوقی باقی خواهد ماند؟؟؟ پدران و مادران عزیز اگر خواهان یک تحول مثبت در خانواده و جامعه تان هستید. پس باید به هم چون رسم و رواج های منفی و پیروی از عنعنات خرافاتی و امسال آنها خاتمه بدهید و درمورد واقعیت هاییکه تا امروز به ان اهمیت نداده اید، قبولش نکرده اید توجه نموده و به آن واقعیت ها اوج بگذارید. چون شاید که در قبال فرزندان تان مسئول هستید و باید مسئولیت پذیر باشید و به عوضی رسم و رواج های منفی و سستی تان جهت های مثبت را دنبال نمایید که آینده ساز فرزندان تان باشد نه اینکه تخریب کنید آینده آنها را.

وکلای مردم برسردم ساخت و ساز در مناطق شان کش مکش دارند و دولت و وزارت خانه را تحت فشار می آورد اما وکلای ما برسر تفری معلم، مامور، اجیر... وزیران را وادار به این می کند که فلان شخص را مقرر کنید و وقتی آقای وکیل دیگر اطلاع پیدا میکند که مقرر شده است برسوزیر برفته و تهدید می کند که تجدید نظر نماید، **اما این یار در این میدان کدام وکیل بیشتر طرفدارانش را عضو نظارت معارف می کند و این افتخار را نصیب جامعه لعل و سرجنگل می گرداند، می بینیم که زور از کدام یک بیشتر است .**

ولسوالی است و زور زدن وکیل های منتخب . این طرف و طرفداری که برای عده ای خاص، مشخص و معین است که تعداد شان هم معلوم اند اما رای که تنها از این تعداد محدود نیست و اینها که نمی توانستند سه وکیل در پارلمان و یکی هم در شورای ولایتی روان کنند پس این خدمت به خودی ها که درد عوام ناس را دوا نمی کند و مردم هدف از رای دادن این بوده است که برسرجل و نصب طرفداران شان بین خود رقابت نمایند واقعاً مسخره و خنده آور است این وکیل شدن ها و از همه بدترین که شرمی در چشمان این وکیلان نیست با کدام روی در بین مردم می آیند و با حرف های دروغ به مردم شعار خدمت می دهند .

هرسال نزدیکی های آخر سال هتل های شهر چچران با تراکم از جمعیت نامزدان بست های معارف لعل و سرجنگل مواجه میشود تعداد زیادی از افراد با چترهای از اصلاحات اداری، لایحه وظایف، فورمه خانه پری کردن و در نهایت زنگ زدن هابه وکیلان و شروع کش مکش های وکیلی در شورای ولایتی تا ریاست، وکیلان پارلمانی تا وزارت و در آخر کسانی که نه وکیل شورای ولایتی دارد و نه وکیل پارلمانی؛ دست از آسمان و پای از زمین کنده قرض دار و افکار راهی خانه . این است کار همه ساله مردم از دست وکیل و وکیل بازی، فقط تبدیل کردن اعضای معارف از امر گرفته تا اجیر، ویا تعویضی افراد درست های

## دیکتاتوری در سیمای دموکراسی

افغانستان کشور است که تازه از حملات دود و آتش، یغمای خانه ها رهایی یافته و با روی کار آمدن حکومت قانونی از طریق انتخابات آزاد در کشور تحقق یافته و آهسته آهسته در تمام نقاط کشور فراگیر گشت و شعار این حکومت را انکشاف متوازن و عدالت تشکیل میداد و هسته تمام حرکت و پلان حکومت را مردم تشکیل میداد. اما بر عکس تمام این شعار ها یک نقطه نیرنگی برای انحصار قدرت حزبی دیگری برای مردم ثابت نگشت، حضور غیر قانونی کوچی در پارلمان کشور حرکت ارگ با موجودیت پارلمان به سوی جرگه های مصلحتی و غیر قانونی و منطقی به نام جرگه عنعنوی، باج دادن به قاتل، سارق و آنان را برادر گفتن در حضوری رسانه ها و انواع از چال و فریب دیگر.

در کانونهای که مستقیماً سر نوشت مردم به ان کانون ها وابسته است جریان معامله گری ها شدید شده به عنوان مثال مراکز صحنی از داشتن داکتر معذرت می خواهند، مکاتب داشتن تعمیر را خیال بیش نمیدانند سرک ها به سنگر های جنگی مبدل گشته و هیچ نماینده نیست خنجر آزاد در برابر حل چنین مشکلات داشته باشد برای اینکه! خدمت بستر نماید زیادتیر قابل لمس باشد به تغییرات اداری پابند است و تلاش دارد تا بستگان خود را به مدرک سهیم سازد و از نسل جوان به عنوان عروسک برای استفاده غرض تامین منافع سیاسی اش نماید و یا اینکه به دیگر تهمت ببیند و بگوید فلان کس از رای مردم استفاده نادرست دارد اگر برای یکی از نسل جوان بدون وابسته کمک نماید باید او را متعهد و وابسته به جریان خود سازد تا سر تائید تکان دهد، و به هر نحوی خواسته باشد وضعیت را به نفع تیم و دار دسته خود تغییر دهند. در مجموع میتوان گفت که برای این که در قدرت حضور داشته باشد با پول وارد میدان میشود با خریدن چند گیلن تیل و خریدن چند جوره کفش که قیمت آن سی افغانی است به خرید آرای مردم اقدام می نماید و یا بگوید پدر، مادر و برادری من مدافع حقوق از دست رفته شما هستم و اینکه بگوید کار های معارف در اولویت کارهای من است و یا بگوید پارلمان جای خواب و غیاب نیست و یا بگوید خواهر و برادر با رای خود میتواند اجازه خدمت برایم بدهید! وقتی به قدرت رسیدم همه این تعهدات فراموش گشته و بجان هم می افتد و فکر خدمت و دفاع از حق مردم فراموش گشته و مصروف معاملات خود شان است پس مردان گفت ! که این فورمول ها همه فورمول دیکتاتوری است که در سیمای دموکراسی تمثیل میگردد.

قربانعلی الفت

غلام علی رسولی

## فرار سیدن انتخابات و مردم دوستی و کلا

و تابتواند از آرای شما مردم به نفع خویش و فامیل خویش استفاده کند اگر ما و شما وضعیت فعلی را بررسی کنیم میدانیم که چه کشمکش های وجود دارد چه سیاست های بخاطر بازی و فریب دادن شما مردم انجام میدهد و از چه چال و نیرنگ بخاطر خوش نامی خودها کار میگیرند، در صورت که همه میدانند که چه جریان دارد؟ جوانان عزیز! چشم امید مردم شما هستیید بیاید این بار فریب فریبکاران را نخورید و واقعاً کسی را انتخاب کنید که با درد و رنج این مردم مظلوم شریک باشد و باراحت احساس کردن خود مشکلات دیگران را فراموش نکند بعد از انتخابات خود را جدا از شما مردم فکر نکند . بیاید از حزب و حزب گرایی و رقابت های منفی بگذرید این حزب و حزب گرایی و رقابت های منفی و کشمکش های داخلی جامعه را به فساد کشیده است، نگذارید این روند برای همیشه جریان داشته باشد و همیشه کوشش کنید که هیچ وقت آله دست کسی قرار نگیرد یا کسی از شما به حیث بلندگو استفاده نکند این را به هیچ شخص اجازه ندهید که با شما و سرنوشت شما بازی کند، بازی کردن با سرنوشت تاجه وقت ???

فرار سیدن انتخابات وکلای محترم را به یاد مردم مظلوم انداخته، مردم که با درد، رنج و مشکلات دست و پنجه نرم میکنند بعد از گذشت چند سال دوباره از مردم خویش دیدن میکنند و هر روز طرح و پلان های جدید را به ارمغان می آورد و هیاهوی شان مردم را هیجان زده می سازد. پدران، مادران و جوانان عزیز این بار در تعیین سرنوشت خویش هوشیارانه عمل نمایید و نگذارید با سرنوشت شما بازی و معامله صورت بگیرد اگر شما مردم تصمیم درست داشته باشید هیچ کس و هیچ قدرتی شما را از تصمیم تان منحرف کرده نمیتواند این شما هستیید که سرنوشت تان را خود تان تعیین میکنید، تاجه وقت استخوان به گلو و خار به چشم زندگی میکنید در صورت که بار بار شما مردم بی دفاع و رنج دیده پایمال تاخت و تاز اینها بوده اید و باز چشم خود را از حقایق پت کرده اید به همان راه ادامه میدهد. بیاید کسی را انتخاب کنید که به وعده های خود جامه عمل بپوشاند که با حرف های چرب و دادن نان چاشت رای شما را از آن خود نماید و دیگر شما مردم را به فراموشی بسپارد، مشکلات و درد و رنج شما را که از آن رنج میبرید به گوش ناشنوی مقامات نرساند فکر و تلاش شان بخاطر راحت بودن خودش باشد

## اطلاعیه شهرک های رهائشی واقع ده سبز (پلان کابل جدید)

به اطلاع عموم مردم عزیز ولسوالی لعل و سرجنگل رسانیده میشود:

همان طوریکه می دانید وضعیت شهرنشینی و اجتماعی در شهر کابل به صورت اسف بار در حال نا هنجاری می باشد از آلوده گی های آب و هوای، رعایت نکردن نقشه های زیر بنای شهری، نداشتن سرک و کانال های فاضلاب، نداشتن آب آشامیدنی، تراکم بیش از حد جمعیت و هزاران معضل اجتماعی دیگر اینک که بر طبق فیصله شورای وزیران، وزارت امور شهرسازی دولت جمهوری اسلامی افغانستان و کشور های کمک کننده قرار بر این شده است که طرح نقشه کابل جدید بزودی به مرحله اجرا گذاشته شود در آینده نزدیک این پروژه افتتاح خواهد شد و این طرح نقشه شامل چهار بخش است :

۱- استیپ اول ساحات ادارات دولتی

۲- استیپ دوم ساحات تجارتي و بلند منزل ها

۳- استیپ سوم ساحات رهائشی

که در این بخش های تمام خدمات و ضروریات شهری مطابق معیار های بین المللی در نظر گرفته شده است . اینک اشخاص و افرادی که خواهان خریداری املاک و زمین های رهائشی در پروژه کابل جدید واقع ده سبز کابل باشد، ساحات رهائشی بصورت نقشه برداری مطابق ماستر پلان وزارت شهر سازی، کوچه های ۱۲ متره فرعی، فضای سبز، پارک ها، سیستم فاضلاب، ساحات تفریحی، سرک های ۴۰ متره و تمام خدمات شهری در نظر گرفته شده است . و با کمترین و نازلترین قیمت در کابل جدید صاحب زمین و املاک شوید.

اشخاص که علاقه به خریداری زمین در این پروژه می باشد و یا جهت معلومات به این شماره در تماس شوند .

آدرس : کابل ده سبز، فاز دوم شهرک های رهائشی کابل جدید جوار شهرک محمدیه

۰۷۹۱۹۸۲۸۹۰

۰۷۷۳۰۳۱۶۵۶



# آغاز جهان و کهکشان راه شیری

غلام علی رسولی

دانشمندان چنین فرض کردند که جهان ما در حدود ۱۵ میلیارد سال قبل بر اثر انفجار عظیمی از جسم بی نهایت سختی (چگال) به وجود آمده و در لحظات اولیه این حادثه گرمای حاصل از آن میلیاردها برابر حرارت مرکز خورشید و تراکم تریلیون ها برابر هسته اتم بوده است بر اثر این انفجار بزرگ جریان «فضا زمان» به وجود آمده و ذرات و کهکشانها به ترتیب شکل گرفته و نیروی اولیه آنها را از هم دور کرده است این انبساط هنوز هم ادامه دارد. تعداد کهکشانهای قبل مطالعه در کیهان برابر یک میلیارد برآورد شده ولی بعضی از مطالعات و محاسبات آماری نشان میدهد که تعداد کهکشانها بیش از صد میلیارد است. از مجموعه کهکشانها باید یکی را از لحاظ زندگی موجودات زنده، حایز اهمیت بیشتری بدانیم هر چند ممکن است در پاره از کرات دیگر موجودات باشد ولی قطعات اکنون فقط کره ما مسکونی بوده و حیات در آن جریان داشته است به عبارت دیگر این کره در پهنه عظیم و بی انتهای جهان آفرینش چون «واحه ای» می ماند در دل کویری خالی از مسکونه و حیات که ما انسانها و سایر جانداران را دربر گرفته خود جاداده است و در فضای بیکران با سرعت فوق العاده زیاد به سوی می برد کاری که میتواند میلیون ها سال دیگر نیز ادامه پیدا کند . کهکشان که ما در آن زندگی میکنیم «راه شیری» نام دارد شکل آن مارپیچی و درازی آن ۱۲۰۰۰ سال نوری است . خورشید، یعنی ستاره که ما باید در آن بچرخیم به همراه سایر سیارات و متعلقات، خانواده خورشید، در فاصله ۳۰۰۰ سال

## چطور کودک تان را تربیه می کنید؟

سیدعلیرضاسادات



بعضی اوقات پدران و مادران از فرزندان شان شکایت میکنند، ویا بعضی از فرزندان بصورت غیرمترقبه وعادی با آبروی پدر و مادرشان بازی می کند و باعث یک سلسله مشکلات در خانواده میشود در این میدان بی عفتی مقصر کدام یکی است ؟ (والدین یا فرزندان) آیا کدام وقتی از پدر و مادری که از فرزندان شان شکایت دارد پرسیدید، فرزندان تان را در دوران کودکی با کدام روش اخلاقی تربیه نمودید با اخلاق و آداب اسلامی ویا با روش های به اصطلاح مدرن تربیتی (غیر اخلاقی) پس هر طوری که تربیه کردید همانطور توقع داشته باشید، بازدهی اخلاقی فرزندان تان مطابق با روش تربیه شما ست، در خیلی موارد به نا حق از اولادشان ناراض اند . بطور نمونه وقتی کودک تان را از طفلی با چادر و حجاب آشنا نکردید ویا آن عادت ندارد پس در جوانی حجاب و چادر برایش بی گانه و بی معنی است، وقتی طفلی از آوان کودکی با نماز، روزه و شعایر اسلامی آشنا نیست در جوانی با تقوا نخواهد بود

بعضی اوقات پدران و مادران از فرزندان شان شکایت میکنند، ویا بعضی از فرزندان بصورت غیرمترقبه وعادی با آبروی پدر و مادرشان بازی می کند و باعث یک سلسله مشکلات در خانواده میشود در این میدان بی عفتی مقصر کدام یکی است ؟ (والدین یا فرزندان) آیا کدام وقتی از پدر و مادری که از فرزندان شان شکایت دارد پرسیدید، فرزندان تان را در دوران کودکی با کدام روش اخلاقی تربیه نمودید با اخلاق و آداب اسلامی ویا با روش های به اصطلاح مدرن تربیتی (غیر اخلاقی) پس هر طوری که تربیه کردید همانطور توقع داشته باشید، بازدهی اخلاقی فرزندان تان مطابق با روش تربیه شما ست، در خیلی موارد به نا حق از اولادشان ناراض اند . بطور نمونه وقتی کودک تان را از طفلی با چادر و حجاب آشنا نکردید ویا آن عادت ندارد پس در جوانی حجاب و چادر برایش بی گانه و بی معنی است، وقتی طفلی از آوان کودکی با نماز، روزه و شعایر اسلامی آشنا نیست در جوانی با تقوا نخواهد بود

## رسم وفا

چرا ای چرخ دون نامهربانی  
خدا را شرم از موی سفید است  
به اوقات جوانی گر به نازی  
بود هر جنس را با هم جنس میلی  
نه از پیریست، پوشتم کوزه گشته  
رهاکن رسم راه بی وفائی  
جهان بر بی وفا هرگز نبخشد  
ره محبوب و مقبول عام است

ز «لیما» گوش کن، مسپارگاهی  
به جز راه وفا تا می توانی

لیماسحر فرهی

## به یاد استاد

به پاکی مثل آبی ای معلم  
بدست خویش توداری مشعل علم  
حیا و شرم در عالم نمانده  
بمثل عاشقان در علم والله  
گوارا ساختی این خاک با خود  
ز مغروری و خود خواهی دنیا  
معطر ساختی دلهای اطفال  
کند روشن معلم گیتی غم  
برای تعلیم شاداب شاگرد

قربان علی شاداب

## آزادی قلم

آزاده که گیرد قلم رقم زند  
آزاده اوست که گیرد قلم داد  
آزاده اوست بلا قید امر و نهی  
آزاده را غم ورنج است ز حد فزون  
صدها هزار گفته باطل شنید و نیک  
صدا را گریه بند کشندش به صبح و شام  
گر بند بند وجودش جدا کنند به  
«لیما» که مایل سازش و سوز ساز نیست  
خوشتر بود قدم بسوی دیار عدم زند

لیماسحر فرهی

صاحب امتیاز : ماهنامه دانشجویی (علم و عمل)

مدیرمسؤل: سیدعلی رضا سادات ۰۷۹۷۷۹۴۲۴۶ S.R.S-SADAT-۲۰۱۲@yahoo.com

معاون مدیرمسؤل: غلام حسین رسولی ۰۷۹۹۷۴۷۰۷۷ - ۰۷۷۰۶۰۳۰۴۷

سر دبیر: همایون تمیم فکرت زاده ۰۷۹۴۴۸۳۵۵۰ - ۰۷۷۵۵۶۵۹۹۲

مسؤل کادرفنی: حمیدالله رامش ۰۷۷۳۱۸۶۸۹۰

هیئت تحریر: قربانعلی الفت، کبری فصیحی زاده، غلام علی رسولی، عنایت الله شفیق، محمدحسین سبحانی، سرور یعقوبی

ویراستار: محمدتقی حسین زاده ۰۷۷۲۲۱۸۱۹۷

ایمیل: elmamal.monthly@gmail.com

آدرس: ولایت غور، ولسوالی لعل و سر جنگل - مرکز ولسوالی

قیمت: (۵) افغانی

نوت: ماهنامه هر نوع اعلانات تجارتي و تبلیغاتی شمارا میپذیرد.

تماس با ما:

۰۷۷۲۲۱۸۱۹۷ - ۰۷۷۳۰۳۱۶۵۶

Elmamal.Monthly@gmail.com